

SAROJINI NAIDU

by E. K. MITRA

SAROJINI: in India there are thousands of women named Sarojini and yet there is only one, Sarojini of the silver pen that drips melody, Sarojini of the golden voice that holds every listener spell-bound, Sarojini Naidu, the Bulbul, the Nightingale of India, sweet-tongued interpreter in words of India's glamour, her colour, her magic, her scent, her poise, her rhythmic beauty.

Sarojini Naidu belongs to an old Brahmin family of Eastern Bengal. Her father was Dr. Harindra Nath Chattopadhaya and the family was settled in Hyderabad, Deccan, when Sarojini was born there on 13th February, 1879. Later, Sarojini was to describe her father as "a brave and tender sage." Her mother was very wise and loving, so the future poetess had a happy childhood with her big family of brothers and sisters. She learnt to understand people,



Mrs. Sarojini Naidu.

میسز سروجنی نیدو

میسز سروجنی نیدو
بقلم ا. ک. میترا

در کشور هندوستان هزاران سروجنی زن هستند که سروجنی نامیده میشوند معذک در سراسر این کشور تنها یک سروجنی (بمعنی تحت اللفظی گل نیلوفر) است

که از کلک زربینش
آهنگهای دلکش میتراود
و هر شنونده ابرا
مستحور و فریفته نغمه
های دلربای خود
میسازد. وی بلبل
شیرین زبان و ترجمان
فصحی اللسان هند
بوده که با اشعار خود
گلشن فریبنده و
رنگارنگ و سحر
آمیز و عبیر انگیز
این کشور را مجسم
میدارد.

سروجنی نیدو از
برهنهای قسمت شرقی
بنگال میباشد.
نام پدرش دکتر
«چتوپادها» است.

این خانواده در حیدرآباد دکن اقامت گزید.
سروجنی نیدو در ۱۳ فبروایر ۱۸۷۹ در
حیدرآباد بدنیا آمد. پدر خود را مرد دلیر فرزانه
و با مهری توصیف نموده است. مادرش بانویی
خردمند و با شفقت بود. بهمین سبب شاعر

۳۰ - آهنگ

to appreciate beauty, to devote herself to noble causes. These are traits of character that have illumined her whole personality all her life.

Sarojini Chattopadhaya was a clever and brilliant child. The poetic gift showed itself very early. When she was eleven, she wrote her first poem. At the age of twelve she passed the Madras Matriculation examination. At thirteen she was writing a long poem in imitation of Sir Walter Scott's "Lady of the Lake" and also a drama of 2,000 lines. Going to England in 1895, she studied at King's College, London, and at Girton, Cambridge, but owing to ill health she had to return to India three years later.

Sir Edmund Gosse, the great literary critic, greatly admired the brilliant young Indian girl and it was on his advice that she abandoned the imitation of Western models and took up the Indian themes that have ever since been the materials of her poetry. She began to write of the bazars and the festivals, the sights and sounds of her mother country, in English poetry, the sheer lovely music of which has winged her songs to high fame, not only in India but also abroad. The glamour she throws over the Indian scene is another cause of her wide popularity. Sarojini has published three books of poems: *The Golden Threshold*, dedicated to Sir Edmund Gosse, *The Bird of Time* and *The Broken Wing*.

In 1898 Sarojini married Dr. Naidu of Hyderabad. There were difficulties to be

آینده هند با برادران و خواهران خود دوره طفولیت را بشادکامی و خرمی بسر برد. وی بخوبی آموخت که چگونه مطالب و سخنهای مردم را بفهمد و چگونه برموز زیبایی پی برد و چگونه حیات خود را وقف انجام مقاصد مقدسه بنماید. این است رؤس انضائلیکه سراسر وجود و شخصیت این بانو را در تمام دوره حیاتش درخشان نموده است.

سروجنی کودکی با فراست و روشن فکر بود. استعداد خدا داد و طبع وقاد شاعریش از همان زمان کودکی بمنصه شهود پیوست. در سن ۱۱ سالگی نخستین اشعار خود را انشاد کرد. در دوازده سالگی از دبیرستان مدرس فارغ التحصیل گردید. در سیزده سالگی باستقبال غزل سر والتر اسکات موسوم به «بانوی دریاچه» اشعار بلیغی گفت و در همین سال بود که درامی مشتمل بر دو هزار بیت سرود. در سال ۱۸۹۵ بانگلستان رفت و در کینگز کالج لندن و کامبریج مشغول تحصیل گردید. متاسفانه بر اثر کسالت مزاج بعد از سه سال ناگزیر بهندوستان مراجعت کرد.

سر ادmond گوس ادیب نکته سنج معروف ستایش زیادی از این دوشیزه جوان و گوهر تابان هندی نموده است. بشوق وی بود که سروجنی بیروی از سبک و افکار باختری را رها کرد و ازان تاریخ تاکنون موضوعات مربوطه بهند را اساس ترانه های خود قرار داده است. راجع به جمعه بازارها، اعیاد ملی، مناظر و نغمه های میهن خود بزبان انگلیسی شروع بچامه و چکامه سرائی نمود. این چامه و چکامه ها همینکه با پرده ساز نواخته شد نه تنها در هند بلکه در دنیای خارج نیز مشهور گردید. علت دیگر محبوبیت این بانو

overcome, for she was a high-caste Brahmin; he a non-Brahmin. There are four children about whom their mother once wrote a poem called "To my children." About her eldest son, Jaya Surya, she said that he should be the son of songs and liberty. She called her daughter Padamja, a lotus maiden full of sweetness. She described her son Ranadheera as the little lord of battle and wished that he should fight like a hero in the battle of life. Her daughter Lilamani she called the jewel of delight and wished her always to be free from sorrow and full of laughter.

The home in Hyderabad is called "The Golden Threshold" and there she lived a happy, busy life, a leader in the social and cultural life of that great city.

Since 1920 Mrs. Naidu has devoted herself to national affairs. She has been President of the Indian National Congress and is Mahatma Gandhi's staunch lieutenant. She has been in the forefront of the Women's Movement; was President of the All India Women's Conference and is still its very active guide, counsellor and friend.

In 1931 she went to England with Mahatma Gandhi as a member of the Round Table Conference. She had travelled far afield in many continents and she gained

همانا زیبایی فریبنده ای است که در اشعار خود بمنابر هند بختوده است. سروجنی سه دیوان شهر انتشار داده است (۱) آستان طلائی که به سر ادم ندگوس اهداء نمود (۲) مرغ وقت و (۳) بال شکسته .

سروجنی در سال ۱۸۹۸ با دکتر نیدو در حیدرآباد عروسی کرد. این موصلت با مشکلاتی که بالاخره از بین برداشته شد مواجه گردید. زیرا سروجنی از طبقه عالیہ برهمن و نیدو غیر برهمن بود. خداوند بوی چهار فرزند عطا فرمود. بنام آنها اشعاری موسوم به «برای فرزندانم» سروده است. راجع به پسر کهنش «جایا سوریا» میگوید «وی زادهٔ سرود و آزادی است». دختر خود «پدمجا» را دوشیزه نیلوفر آبی که سراسر ملاحظت است خوانده است. «راندیر» را قهرمان کوچک میدان رزم نامیده و آرزو کرده است که وی باید در کشمکش حیاتی مانند یک نثر پهلوان دلیر بجنگد. دختر خود لیلامانی را گوهر نشاط نامیده و طالب است که وی همیشه خرم و خندان باشد. کاشانه خود را در حیدرآباد «آستان طلائی» نامیده. در این منزل وی با کمال آسودگی خاطر و با مشاغل زیاد بسر برده و در حیات اجتماعی و فرهنگی حیدرآباد بخشهای مهمی را انجام داده است.

میسز نیدو از سال ۱۹۲۰ حیات خود را وقف خدمات ملی نمود. مدتی ریاست کنکره ملی هند را متکفل بود. دست راست مهاتما گاندی است. در نهضت بانوان پیش آهنگ بوده و رئیس مجمع بانوان کل هند نیز مقرر گشت. هنوز هم رهنما، مشیر و دوست صمیمی این مجمع میباشد.

در سال ۱۹۳۱ سمت عضویت در کنفرانس میزگرد با مهاتما گاندی بانگلستان رفت. بسیاری

wide experience. She has many qualities that fit her to be a great leader. First she has a wide vision. Devoted as she is to national interests giving to this work, day in, day out, of her very life-blood, she is still more deeply devoted to the higher ideal of internationalism. This gives her a greatness, a serenity, a sureness of touch, a poise that is an attribute of the true leader.

Then she has a quick sense of humour. "Of all things," she herself said once, "that life, or perhaps my temperament, has given me, I prize the gift of laughter as beyond price." The twinkle is never far away from her dark eyes and Sarojini is not only more lovable but also greater because of this quality of ready humour.

She has, too, the priceless gift of enthusiasm and the power to inspire others. Workers for noble causes must have the faith that will carry them on through obstacles and defeats and betrayals. Sarojini never gives in and she carries others along with her in her dauntless enthusiasm. Sarojini Naidu is the Demosthenes as well as the nightingale of India. She is a spell-binder, a golden-tongued orator who can lift an audience into rapture on the wings of her eloquence, as the apt word, the rhythmic beautiful phrases, the poetic imagery and the inspiring thought all combine to work their magic spell.

از کشورهای جهان را سیاحت نموده و تجربه‌های زیادی بدست آورده است. واجد فضائلی است که شایان مقام پیشوائی وی میباشد. بانوئی است بلند نظر که سراسر وجود خود را وقف منافع ملی نموده و پیوسته قوا و نیروی خویشتن را نه تنها در این راه بلکه در راه منافع بین المللی که ایده آل عالی تر وی است صرف مینماید. این فعالیت و برا صفا و سکون خاطر و وقاریکه شایان یک نفر پیشوای حقیقی است بخشوده است.

میسز ندو بانوئیست فوق العاده شوخ و بذله گو. خودش گفته: «از بین صفاتیکه روح و با طبیعتم بمن ارزانی داشته است از همه بیشتر خندیدن را میپسندم». هیچگاه برق خنده از چشمان مشکینش زایل نمیشود. بواسطه صفت بذله گوئی و حاضر جوانی است که سروچنی نه تنها از همه محبوبتر بلکه از همه بزرگوار تر است.

بانوئیست فطرتاً غیور و با حمیت و واجد نیروئی است که میتواند در کالبد فسرده دیگران روح نویسی بدمد.

کسانیکه در راه مقاصد مقدسه میکوشند بایستی واجد چنان ایمان راستی باشند که آنان را در مقابل هر گونه مشکلات و موانع و شکست ها ثابت قدم دارد. سروچنی هیچگاه و در هیچ میدان سپر نمی اندازد بلکه بر اثر جدیت و شجاعت بیباکانه دیگران را نیز با خود همراه مینماید. سروچنی همانطوریکه عندلیب گلشن هند است «ریموستنیز» این کشور نیز میباشد. وی ساحره و ناطق گوهر فشان است که مستمعین را بر اثر فصاحت بیان از خود بیخبر میسازد. واضحتر بگوئیم عبارات قشنگ موزون، صنایع بدیعی و افکار مهیج وی نتایج سحر آمیز خود را میبخشد.